



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۱۴

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## نداء بر سعدی شیرازی «رح»!!

گر چه این سروده، پوره دو سال پیش در پورتال محبوب ما «آریانا افغانستان آنلاین» انتشار یافته است، این بار مطالعه نوشته پر از احساس و درد عزیز و برادرم جناب «حمید انوری» و اقتباس مطالب اندهبار از کتاب «افغانی» نوشته نویسنده محترمی به نام «عارف فرمان» از رفتار غیر انسانی و نامردانه رژیم و مردم ایران در برابر مهاجرین افغان و تحقیر و تعجیز آنها یکبار دیگر با فریاد و آه، با تزیید یک بیت از شعر حضرت سعدی که فراموش شده بود، با پیشگفتار آن به دست نشر می سپارم.

رفتار ظالمانه و نامردانه همسایگان «پاکستان و ایران» در برابر مهاجرین افغان که هر روز به شیوه های مختلف اعمال می گردد، در خور نفرین و انزجار است. چنانکه مقامات پولیس دولت آخوندی ایران اسلامی در شیراز، چندی پیش، با شیوه حقارت آمیز، جوانان پناهنده افغان را به نام دستاورد های وظیفوی خود، در قفس انداخته و برای مردم شیراز به نمایش گذاشته بود.

دولت ضعیف النفس و ضعیف البنیة افغانستان که در جدال جاه و مقام و قوم پرستی قرار دارند با سکوت مرگبار ازین حقارت استقبال کرد و لب به سخن نگشود.

## درد دلیست که تقدیم می شود:

ایا مصلح الدین، سعدی راد

که نامت به نیکی همی یاد باد

سر از خاک بردار و بنگر که چون

به شهر تو جاریست سیلاب خون

تو بنوشتی روزی به نیکی و فر

کلام دل انگیز، همچون گهر

کلامی که شد مدعا و مثل  
چو نقش نگینی به جمع ملل  
کلامی دلارا و پر میمنت  
نهفته درو عالم معرفت  
نهفته درو، رافت و همدمی  
نهفته درو شفقت و مردمی  
کلامی درو، رحمت کبریا  
کلامی چنو گفته انبیا  
پیمبر، نه ای لیک بهر یقین  
سخن گفته ای چون پیمبر چنین  
«بنی آدم اعضای یکدیگرند»  
«که در آفرینش ز یک جوهرند»  
«چو عضوی به درد آورد روزگار»  
«دگر عضوها را نماند قرار»  
«تو کز محنت دیگران بیغمی»  
«نشاید که نامت نهند آدمی»  
چنین است گفتار والای تو  
که دارند مردم تولای تو  
وبائست بر لوحه زرنوشت  
برابر به گفتار داور نوشت  
ولی شهرداران شیراز تو  
نیند آگه از رمز و از راز تو

ز گفتار نیکت نگیرند پند

کنند آدمی را بسی ریشخند

به آزار مردم هوس می کنند

پناهنده را در قفس می کنند

م. نسیم «اسیر»  
۲۵ سپتامبر ۱۴۰۶م، فرانکفورت



ببینید که در ایران کشور اسلامی نه تنها بر ریش سعدی می خندند بلکه بر ریش انسانیت و اسلام می خندند و افغان های پناهنده را یعنی انسان های پناهنده را در قفس می اندازند و سعدی را از شعرش پشیمان می سازند و خود را رو سیاه. یک آسمان تشکر و یک افغانستان سپاس از دوستم جناب ملک الشعراء محمد نسیم اسیر که "اسیر" میاد (ولی احمد نوری)

به آزار مردم هوس می کنند  
پناهنده را در قفس می کنند